

## تقویم و پنجه کاشان

اهل خبرت می دانند که تقی زاده باعلاقه بسیار ودقت و ممارست عالمانه سعی داشت اطلاعات مربوط به تقویم و شناخت زمان را که خود به گاه شماری موسوم ساخته بود جمع آوری کند. مخصوصاً مجاهدتی داشت که وضع تقویم را در ولایات و نواحی مختلف ایران مورد بررسی قرار دهد. چون در کاشان رسمی قدیمی درین موضوع باقی مانده است مرحوم تقی زاده از آقای علی پاشا صالح خواسته بوده است که اطلاعات محلی پراکنده را در آن منطقه جو یا شود و جمع آوری کند تا در کتاب گاه شماری به کار گرفته شود.

آقای صالح که خود از مردان دانشمند و متبع و دقیق است به دقت و حوصله تمام یادداشتهایی را که از گفته های افراد مختلف فراهم آورده بود مدون ساخته و برای مرحوم تقی زاده ارسال داشته بود. خوشبختانه متن این مکتوب در میان اوراق تقی زاده به دست افتاد و اینک در اینجا به چاپ می رساند.

### ایرج افشار

دوشنبه ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۰

دوست عزیزم - يك مطلبی داشتم که لازم بتحقیق بود و با اعتماد لطف خاص عالی میخواستم زحمت آنرا بجناب عالی بدهم. ولی در مقام تحقیق معلوم شد که بنواحی کاشان که گمان میکنم همان علاقه خودرتان است بمرخصی تشریف برده اید. اگر چه مطلب را اگر کاملاً و بالا اطراف و بطور مسنوفی حضوراً شرح میدادم خیلی بهتر بود برای اینکه شرح مفصلی برای بیان آن کماینبغی لازم هست لکن از طرف دیگر چون مطلب راجع به همان نواحی است که تشریف دارید خوشوقت شدم و

امیدوارم این عریضه زودتر در آنجا بدست شریف برسد. تحقیق مطلب را در همانجا بهتر خواهید توانست بفرمائید تا آنکه از تهران بوسیله مکاتبه بدست بیاورید.

قبلاً لازم است عرض کنم که در اینگونه تحقیقات، شخصی که باو زحمت داده میشود حتماً باید محقق و مدقق و بی مسامحه و دارای ضبط روای معتمد باشد و بلکه اگر وسواسی نسبت بصحت همه جمل و کلمات داشته باشد مطلوبتر است. چنانکه مرحوم میرزا محمد خان قزوینی بزرگترین کف فضايل و مزایای او همین افراط فوق العاده در دقت و تحقیق و کسب اطمینان کامل از صحت مطالب بود که بقول معروف بهر کلمه اش بتواند قسم حضرت عباس بخورد و بهمین جهت اشخاصی که اندکی مسامحه را جایز میدانند یعنی نود و نه هزار و نهصد و نود و نه نفر از صد هزار اهل فضل مابه آن مرحوم نسبت وسواس میدادند، و بهمین جهت است که برای تحقیق مطلب ذیل بجناب عالی زحمت میدهم.

معروف است که در حوزه ولایتی کاشان و نواحی آن و همچنین در بلوک نطنز و دهات اطراف آن و حتی جوشقان و میمه (و شاید بسیاری از نواحی نزدیک دیگر که من بطور تحقیق و تدقیق کامل نمیدانم) سال و ماه ایرانی که ۱۲ ماه هر کدام ۳۰ روز و پنج روز اضافی پنجه (باخمسه مسترقه) است متداول است و شنیده شده که این سال و ماه را خود مردم آنجا سال جلالی مینامند. سؤالاتی که نسبت باین مطلب دارم بقرار ذیل است:

۱- اولاً در کدام نواحی و تا چه حدود این سال و ماه باین ترتیب

معمول و مستعمل است و آخرین سرحد آن که پس از گذشتن از آن دیگر این حساب استعمال نمیشود کجاست؟ آیا در ولایت یا شهر یزد هم مثلاً واردگان یا نائین و غیره نیز این سال و ماه استعمال میشود یا نه؟

۲- ثانیاً آیا در آن نواحی مثلاً در همان ولایت کاشان این سال و ماه معمول است و این استعمال عمومی و اجتماعی است یا نقاطی در آن میانه بطور متفرقه هست که این حساب در آنجاها مستعمل نباشد و یا آنکه نسبت بطبقات مردم فرق میکند. مثلاً رعیت آنرا استعمال میکنند و شهرها یا طبقه متوسطه استعمال نمیکند.

۳- ثالثاً (که مهمترین همه سؤالات و در واقع سؤال اصلی اینجانب است) آنکه پنج روز اضافی سال (خمسۀ مسترقه) در کجای سال اضافه میشود. آنچه شنیده و تا حدی تحقیق کرده‌ام گویا در اغلب نواحی کاشان پنجروز مزبور در آخر سال یعنی پس از روز سی‌ام ماه اسفندارمذ (که نمیدانم در آنجا اسفندارمذ یا اسفند تلفظ میکنند) اضافه میشود. ولی در بلوک نطنز و نواحی آن این پنجروز را در ماه آخر بهمن اضافه میکنند نه قبل از نوروز.

مقصود اصلی من اینست که آن نقاطی که این طریق اخیر در آنجاها جاری است کجاها هستند و در صورت امکان میخواهم فهرست خیلی کامل و بسیار دقیق و جامع افراد و مانع اغیار از تمام نقاط یعنی دهات و مزارعی که پنجروز اضافی در آخر بهمن اضافه میشود بدست بیاورم (با تعیین محل جغرافیائی آنها در صورت امکان) و همچنین با تلفظ صحیح اسمهای محل با اعراب و در صورت امکان بین الهالین با حرف لائین و نیز معلوم شود که آیا در خارج از دایرۀ بلوک نطنز نیز



جائی این ترتیب معمول است یا نه. آنچه بطور قطع گفته شده آبیانه و حوالی آن این طریقه را استعمال میکنند. ولی از تمام نقاطی که همین نوع حساب میکنند اطلاع کامل ندارم.

۳- رابعاً آیا صحیح است که حساب سال و ماه ولایت کاشان و همچنین نظنز در محل جلالی نامیده میشود و آیا اول سال آنها (روز اول فروردین) مثل سال رسمی معمول در تهران روز اول بهار است؟ و اگر چنین است مخصوصاً این نکته را میخواستم بدانم که اگر هر سال را متوالیاً ۱۲ ماه سی روزه با پنجروز اضافی بگیرند برای تطبیق آن با سال شمسی چکار میکنند. زیرا که اگر در هر چهار سال یکمرتبه پنجروز اضافی را شش روز نگیرند سال از مجرای خود خارج و در فصول میگردد و اول فروردین بتدریج بزمستان و پائیز و غیره می افتد. آیا برای جبران این اختلاف طریقه ای معمول است یا نه؟

میتراسم که این سؤالات موجب زحمت کلی برای جناب عالی در این موقع استراحت بشود و محتاج بمراجعات و تحقیقات و زحمات زیاد مخصوصاً برای حصول اطمینان از صحت اطلاعات حاصله بشود. لذا خواهش دارم اگر چنین است از اقدام بتحقیق آن صرف نظر فرمائید و اگر زحمتی ندارد و بسهولة میتوان این اطلاعات را صحیحاً بدست آورد این لطف را فرموده هرچه زودتر ممکن باشد برای اینجانب جواب برسانید.

حاجت بذکر نیست که سؤال از دهانیها همیشه نتیجه قابل اطمینان نمیدهد و همه را بمسامحه و احتمال و حدس و استعمال عبارات

«گویا» و «بنظرم اینطور است» جواب میدهند و اظهار یکی با دیگری وفق نمیدهد. مگر آنکه برای کسب اطمینان از صحت آن از اشخاص مختلفی جدا جدا بدون اطلاع از همدیگر سؤال شود.

شخص تاجری که سابقاً من در این باب با او مراجعه کرده بودم شرحی نوشته و گفته بود که در بلوک نظنز و در هفتاد و دو قریه آن پنجه را در آخر بهمن می آورند. ولی در فرهنگ جغرافیائی وزارت جنگ برای همه بلوک نظنز فقط ۴۷ قریه نوشته شده است! برای این زحمتی که میدهم قبلاً تشکر خالصانه عرض میکنم.

مخلص صمیمی

سید حسن تقی زاده

۱۴ شهریور ۱۳۳۰

(بعد از عنوان . . .)

۱ - در تمام نواحی کاشان و نظنز سال و ماه ایرانی را دوازده ماه هر کدام سی روز حساب می کنند و پنجروز اضافی را پنجه (یا خمسه مستتره) مینامند و این سال و ماه اجلالی میخوانند و آخرین سرحد آن که دیگر این حساب بکار نمیرود از سمت شهرستان قم باغستان و سف (Vesf) است که از توابع قم و حد فاصل بین دو شهرستان محسوب میشود. ولی حتی درین محل نیز چند تن از اهالی قریه رهق (Rahaq) کاشان (که در یازده فرسنگی شهر واقع است) بزراعت اشتغال دارند و بدتبعیت از همولایتی های خود حساب پنجه را نگاه میدارند. در یزد و نائین و اردکان نمی دانم بچه طریق عمل میکنند. ممکن است از رجال یزد و نائین و اردکان که در تهران توقف دارند پرسش نمود. آنچه مسلم است این

بنده ناچیز با این بضاعت مزجات نخواهم توانست بر تحقیقات دقیق آن دانشمند متتبع که در کتاب نفیس گاه شماری و در رساله بسیار فاضلانه نوروز فرموده اند چیزی بیفزایم.

۲ - این حساب در کاشان و نطنز عمومیت دارد و نسبت بطبقات مردم فرق نمیکنند.

۳ - در اغلب نواحی کاشان پنجروز مزبور در آخر سال یعنی پس از روز سیام ماه اسفند (که همان اسفند تلفظ میشود نه اسفندارمذ) اضافه میشود. ولی در بعضی از بلوک نطنز و نواحی آن این پنجروز را در آخر ماه بهمن اضافه می کنند نه قبل از نوروز.

دو صورت از دهستانها و مزارع نطنز با اعراب تقدیم میکنم : یکی را شهردار انتخابی نطنز تنظیم کرده است و دیگری را رئیس اداره ثبت احوال و آمار کاشان.

در ایبانه و حوالی آن که از توابع نطنز است و پنجه را در آخر بهمن میگیرند متوجه شدم که نام عده ای از قری در محل طور دیگر تلفظ میشود و طور دیگر مینویسند. صورت آن قری ضمیمه است. ضمناً اطلاع یافتیم که در حسابداری اداره کل آمار کتابی موجود است که حاوی اسامی قرای کشور میباشد و در جلد اول نام دهستانهای استان اول تا چهارم را ضبط کرده است و کاشان جزء استان دوم آمده و چاپ دوم آن کتاب نیز منتشر شده است.

۴ - تا آنجا که توانسته ام تحقیق کنم سال و ماه در ولایات کاشان و نطنز جلالی نامیده می شود و اول سال همان روز اول فروردین مثل



سال رسمی معمول در نهران روز اول بهار است. پنجه را هر چهار سال یکمرتبه شش روز میگیرند. ولی اکثر مردم اطلاع دقیقی در بن باب ندارند. در ضبط اقوال مختلف حتی القوه کوشیدم. ولی دنباله اینکار مستلزم وقت بیشتری بود. امیدوارم در اولین فرصتی که مسافرتی بنقاط دیگر کاشان پیش آمد دنباله این استقراء واستقصاء را تا آنجا بگیرم که منظور عالی حتی الامکان بر آورد شود و فهرست کامل و جامع و مانع تهیه گردد. هزار افسوس که وقت گذشته بود و عارضه کسالت ادامه این خدمت را ناچار بروز دیگر محول ساخت.

علت اختلاف اقوال درباره شماره قری در نطنز که مورد تعجب آن جناب واقع شده آنست که دهستانها و مزارع را در یک ردیف قرار داده اند و حال آنکه مزارع باید جزء دهستانها محسوب شود.

ضمناً پاره ای مراسم عجیب درباره پنجه روایت کردند که بی مناسبت ندانستم باستحضار خاطر شریف برسانم. رئیس فرهنگ کاشان در مسافرت ابیانه و نطنز همراه بنده بود و بموضوع تحقیقات آشنائی پیدا کرد. در صورتیکه بخواهیم این امر با اسلوب صحیح و کامل زودتر به نتیجه برسد تصور میکنم اسهل طریق این باشد که وزارت فرهنگ طی بخش نامه ای از رؤسای فرهنگ کاشان و نطنز و نائین و یزد و اردکان و غیره بخواهد که قریه بقریه و مزرعه بمزرعه تحقیقات لازم را دقیقاً بعمل آورند و نتیجه را گزارش دهند.



حضرت آیه الله آقامیرزا سیدعلی یثربی از علمای طراز اول

ایران مقیم کاشان - نظرایشان این بود که سال را در تمام صفحات کاشان سیصد و شصت و پنج روز میگیرند. در سال پنجم يك روز اضافه می شود و کیسه است و سیصد و شصت و شش روز است و سال جلالی نامیده میشود و ربطی بسال و ماه قمری ندارد. ایشان معتقد بودند که حتی در ابیانه و نطنز هم خسته مسترقه را در آخر اسفند می گیرند و همین بیان ایشان باعث شد که شخصاً بآن صفحات مسافرتی بکنم و با مردم محل مستقیماً تماس بگیرم. زیرا از قرار معلوم خلاف این معنی را بجنا بعالی عرض کرده بودند.

**آقای عباسعلی عظیمی** دبیر دبیرستان ۱۵ بهمن فرزند آقای غلامرضا عظیمی از اهل نطنز نیز پنج روز قبل از نوروز را اول پنجه میدانست. پنجه همه جا در کاشان و نطنز عمومیت دارد و بین رعایا مرسوم است. شهری ها تابع تقویم رسمی دولتی هستند.

**آقای صدر العلماء نطنزی** از وکلاء دوره اول تقنینه هنوز در نطنز ساکن است و در حدود هشتاد سال دارد. از ایشان بایستی سؤال میکند متأسفانه موفق بملاقات ایشان نشدم. آقای معین السلطنه ریاحی از معارف نطنز در تهران ساکن می باشد. از ایشان هم باید سؤال کرد.

**آقای سیدعباس هدایت** کفیل اداره آمار کاشان متولد قریه نین و همچنین سید محمد سرایدار باغبان باغشاه فین گفتند پنجه در آخر اسفند شروع می شود و پنج روز بعید مانده پنجه است و سال جلالی است که بین کشاورزان معمول است.

**آقای مهدی پورسیدی** مدیر دبستان المهیاری صالح در نین



می گفت امروز چهارم شهر یور بحساب اداری و نهم شهر یور بحساب زراعی است و زارعین تمام ماه های سال را سی روز حساب می کنند و در آخر اسفند پنج روز اضافی را پنجه می گیرند.

**آقای سید حسین طباطبائی** رئیس شرکت بیمه کاشان از اهل نطنز و ساکن شهر کاشان شخص مطلعی است. اظهارات او ازین قرار بود: از قدیم الایام خمسه را در آخر سال می گرفته اند، از ۲۵ اسفند بحساب امروز که سی ام اسفند جلالی است. ولی فعلا تقویم رسمی رعایت می شود. خمسه رواج داشته و نسبت بطبقات هم فرق نمیکرده است. اسفند تلفظ کرده و می کنند. فقط مطلعین لفظ اسفندارمذ را بکار می برند، آنهم بندرت. نشیده بودند که در نطنز در آخر بهمن پنجه را اضافه نمایند و عقیده داشتند که اگر در آخر بهمن پنجه را میگرفته اند قبل از وضع تاریخ جلالی بوده است ولی دلائلی اقامه نکردند. همه جا این حساب را حساب جلالی مینامند و اول فروردین اول سال است و هر چهار سال یکمرتبه شش روز می گرفته اند و چون اکثریت با پنج روز بوده است خمسه معروف شده است.

در ایبانه از **آقای غلامرضا امینی** سردفتر از دواج ایبانه سؤال شد (امینی ساکن و متولد ایبانه است). هنوز اهالی ایبانه در عین اینکه متدین بدیانت، اسلام می باشند بلهجه گبری و زردشتی تکلم می کنند و بعضی از آداب و رسوم باستانی را محترم می شمارند. منجمله زنان هنوز ملبس بلباس مخصوص قدیم هستند و آثار قدیم از قبیل آتشگاه در آنجا دیده می شود.

امینی گفت امروز که تقویم رسمی پنجم شهریور است. در ایبانه و روستاهای تابعه دهم شهریور گفته می شود. سال را اینجا ۱۲ ماه حساب می کنند و هر ماه سی روز است. پنج روز قبل از اسفند معروف است. بخمسۀ مسترقه مطابق است با ۲۵ بهمن یعنی سی و پنج روز قبل از عید نوروز و در دهکده های چیمه رود و برز رود که از هنجن Hanjan شروع می شود و به یارند و کمجان و برز و تره میرسد و همچنین در جهق و زبجان بر و وش و تماج و نصر آباد جیرویه تا پشت نظنر همه جا پنجه را سی و پنج روز قبل از عید می گیرند. امینی می گفت اصل این قاعده ممکن است در یزد باشد زیرا آن شهر خیلی قدیم است. در تقویم مصباح نجم الممالک سابق نوشته است پنجه جلالی و زردشتی. این پنجه بین تمام طبقات عمومیت دارد لیکن عمل محاسباتی در دفتر ازدواج مطابق مقررات رسمی است. عمل بذرافشانی و کشاورزی مطابق زردشتی و جلالی است. در اینجا بلهجه زردشتی حرف میزنند، با کمی اختلاف و حتی اشعار را به تلفظ رائج زردشتی می سرایند. خمسۀ مسترقه سی و پنج روز بعد نوروز مانده اضافه می شود، یعنی در ۲۵ بهمن. در این صفحات اسفند را اسپند می گویند نه اسفند! رمذ. برای تحقیق دقیق و تحصیل صورت جامع از نقاطی که بدین طریق عمل می کنند باید از ایبانه شروع کرد و همه قری و مزارع را تا یزد رفت و بیشتر قری و آبادیهاراه ماشین روندارد. این قاعده زردشتیان است و در یزد معمول می باشد. حساب سال و ماه را در ایبانه و نقاط اطراف غیر از دوائر رسمی و دفاتر اسناد جلالی مینامند و اول سال همه جا اول فروردین است که اول بهار باشد. در تطبیق با سال شمسی دقتی نمیشود، ولی

هر چهار سال یکمرتبه بجای پنجروز اضافی شش روز می گیرند (در تقویم نوبخت منجم باشی خمسۀ فرس رادهم فروردین تا ۱۵ فروردین ضبط کرده است، ولی در این صفحات اینطور معمول نیست).

از آقای حسین مسرور از مالکان ایبانه متولد همان محل وساکن همان محل سؤال شد. اظهار داشت کلیۀ سکنه پنجه را در ۲۵ بهمن بحساب زراعی و آخر بهمن بحساب رسمی اضافه می کنند و نام این دهکده ها را ذکر کرد که در آنجا این رسم معمول است: برز رود - چیمه رود - جهق (بلفظ محلی گهه) - زنجان بر (بلفظ محلی زنگون بر) - نصر آباد جیرویه (بمعنای زیر یعنی سفلی) - تتماج (تلفظ رائج محلی ده تاماش ولی در مکاتبات سابق اسم این محل ویان است) - وش - شجاع آباد - چاله قلعه - ده جیره - احمد آباد - شوراب و همه مزارع تابع نظنز. آقای امینی گفت در اسفند کاشیها که ۲۵ بهمن است کاشیها پلو می یزند ولی در ایبانه چنین رسمی نیست. خاک نظنز ۷۲ آبادی است مرکب از ده دهکده و مزارع تابعه و در دفتر جزء جمع مالیاتی هم ۷۲ آبادی ضبط شده است.

آقای میرزا علی امیری شغل ملک داری در ایبانه وساکن محل اظهار کرد حساب ماه سی روز است تا آخر بهمن رعیتی که مطابق با ۲۵ بهمن بحساب اداری است، آنوقت پنجه شروع می شود و پنجه را پنجه اسفند می خوانند. در تمام قری و آبادیهای رودخانه برز رود همه جا مرسوم است این حساب جلالی است، ولی آنها که نمیدانند می گویند حساب ماه کشاورزی. بعض سالها پنجروز است، بعض دیگر مثل روز -



خودمانمیدانم - تقویم معلوم میکند. ضمناً گفت پروفیسور باروان بدو رئیس باستان شناسی اصفهان و یکی از مأمورین امریکائی به ایبانه آمدند و از محراب مسجد ایبانه هم عکسهائی برداشتند.

تکیه ایبانه‌ها و نظنزیها در خیابان شهباز تهران است. دویست سیصد نفر هستند و تکیه رو بروی مسجد سلمان است.

آقای رضا صادقی کارمند پست پل هنجن متولد هنجن وساکن هنجن اظهار داشت امروز پنجم ماه شهر یور است، لکن بحساب کشاورزان دهم شهر یور میشود. در هنجن پنجروز مانده باول اسفند را پنجه میگیرند. آقای حسن چیمه‌ای کشاورز متولد چیمه از ترس اینکه مبادا زحمتی برای او ایجاد شود جواب نداد. گفته شد چون مأمورین دولت هر وقت سؤالاتی کرده‌اند و روستائیان جواب داده‌اند دچار زحمت شده‌اند این است که از گفت و شنود پرهیز می‌کنند.

آقای احمد تقی زاده قهوه‌چی پل هنجن گفت حساب اهل چیمه عیناً حساب اهل هنجن است.

آقای مهدی قائمی شهردار قانونی نظنر اظهار داشت در نظنر و همه دهات مربوطه ماه سی روز است. بحساب زراعت پنجروز آخر پنجه آخر سال جلالی معروف است. روز بیست و پنجم اسفند رسمی دولتی آخر ماه‌های زراعی است که مطابق است با روز سی ام اسفند بحساب زراعت. روز ۲۶ اسفند رسمی سال زراعی تمام است و روز اول پنجه است. امروز پنجم شهر یور بحساب رسمی است، ولی دهم شهر یور بحساب زراعت است. این حساب فقط ما بین روستائیان است. مابقی مردم حساب رسمی دولتی

را رعایت می‌کنند. در نطنز پنجروز اضافی را در آخر سال حساب میکنند نه در آخر بهمن. در ایبانه تابع قوانین زردشتی‌ها هستیم و فقط در ایبانه این تربیت معمول است که مراشان مطابق مراسم زردشت است، کما اینکه تا ۲۰ سال پیش صبح عید نوروز می‌رفتند بخورشید تعظیم میکردند. ۵۴ قریه رسماً تابع نطنز است. مابقی از ۷۲ پارچه آبادی مزارعی است که تابع قری است. از ۵ فروردین تا ۵۵ روز بعد از عید آب باران را آب مینان می‌گویند و برای مداوا از آن آب استفاده میکنند. در نطنز مرسوم است و در بعضی جاها منسوخ است.

در نطنز آقای هدایت‌الله افصحی از معتمدین محل (نطنز) و فرزند افصح الشعراء نطنزی اظهار داشت. در باد و خالدآباد - قریه العباد یاده آباد سی و شش روز بعید مانده اسفند است و پنجه با آخر اسفند می‌افتد و روز ششم عید حساب میشود. اول اسفند را عید بزرگ حساب می‌کنیم و مقدم بر نوروز میدانیم و این امر را علت آنست که فصل زمستان و سختی های زمستان رفته است. شب اول اسفند بهمه روستائیان پلو داده میشود. در پنجه چوپان و شبان و غیره حقوق نمیگیرند. این پنجروز اضافه از حساب سال و ماه است. افصحی که مرد شوخ طبع و لطیفه گوئی است به نطنز گفت پنجه را بهمین سبب حفظ کرده اند که حقوق شبان و گله چران را در آن چند روز ندهند.

از آقای سید مرتضی قائمی شغل تجارت و زراعت از ساکنین نطنز برادر شهردار سؤال شد جواب داد سال زراعی نطنز دوازده ماه و ماه سی روز است تا برسد به اسفند. عده ای از دهستانها تابع کاشانند که

سی و پنجر روز بعید مانده را اول اسفند می گیرند و پنجه با آخر سال میافتد. وره Vreh و باد و خالد آباد و ده آباد و مزارع تابعه بدین طریق عمل میکنند. اما بقیه دهات نطنز با خود نطنز سی روز بعید مانده اول اسفند است و پنجر روز اضافی را قبل از اسفند بحساب میآورند و هر چهار سال یکمرتبه شش روز بیش از اسفند پنجه گرفته می شود و این سال معروف است بسال جلالی و بین عموم مرسوم است، خصوصاً زارعان که بذر را بحساب خودشان میکارند و اسفند ارمد مصطلح نیست.

در نطنز آقای حاجی علی زاده سهیلی شغل فلاحت کاملاً با آقای سید مرتضی قائمی هم عقیده بود.

از آقای محمد حسن زرکش که یکی از تجار قدیم و ساکن شهر کاشان است در ششم شهر یورسؤال کردم جواب دادند پنجه و حساب سال و ماه جلالی در کاشان عمومیت دارد و در خود شهر و محوطه کاشان پنجه را بعد از پایان سی روز اسفند میگیرند و اسفند را اسفند میگویند نه اسفند ارمد. از دهاتی که پنجه را آخر بهمن اضافه میکنند اطلاعی نداشتند. بنا بر اظهار ایشان پنجه سه سال پنجر روز است سال چهارم شش روز.

از اهالی قریه کله استاد حسین صانعی تجار - نعمت الله احسانی ملاک - علی رضا فلاح زارع - رضاقلی آزاد مقنی - مشهدی حسن گندم کار زارع - غلامعلی امینی کدخدا - حسن توکلی زارع و کاسب - نظام روحانی عطار - جواد شریفی زارع - و فتح الله احسانی عطار سؤال شد همه گفتند پنجه را آخر اسفند میگیرند و هر چهار سال یکمرتبه شش



روز میشود .

در قریه ارمک (Armak) و جوشقان سرک (Serk) و کله دهات کوهپایه به تبعیت از شهر کاشان بهمین طریق عمل میکنند . امرالله کشاورز کدخدای ارمک اظهار نمود یکماه و شش روز باآخر سال مانده بحساب زراعی اول اسفند است و پنجروز را در آخر سال پنجه میگیرند . آقای علی اکبر غفاری سرهنگ بازنشسته ساکن قریه کله (باغ بالا) اظهار داشت مرحوم عبدالحمید غفاری (سردار مقتدر کاشانی) گاهنامه ای نوشته است که نسخه خطی آن نزد آقای عبدالمجید غفاری فرزند ایشان است که در وزارت پست و تلگراف ریاست دفتر را دارد . در آنجا همین تقویم جلالی را پیشنهاد کرده و پنجه را اندر گاه نوروزی نامیده است که باید پنجروز اضافه عید نوروز باشد و جزء سال حساب نشود .

آقای خبیر الملک غفاری ساکن از ناوه رود از بیلاقات کاشان شغل الاح، گفتند تقویم جلالی فقط در کاشان و حومه و کوهپایه معمول است و عمومیت دارد و پنجروز بعد مانده ختمه جلالی است . اسفند که تمام می شود پنجه شروع می شود و پنجه جزء اسفند نیست و اول عید بعد از پنجه است و اسفندارمذ مصطلح نیست . درباره کبیسه اطلاعی نداشتند و اول سال همان اول فروردین است .

آقای ابراهیم برادران مدیر دبستان صالح در قریه کله اظهار داشت در این قریه در تمام نقاط کوهپایه غربی کاشان سال و ماه زراعی را جلالی می نامند . در محاسبه بین روستائیان دوم شهر یور راهتم شهر یور حساب

می کنند - در شهر هم باستثناء اعضاء ادارات همه افراد غیر اداری این حساب را رعایت می کنند و در اوراق رسمی این حساب پنجه رعایت نمی شود. پنجه در آخر سال اضافه می شود. ماه اسفند اسفند خوانده میشود نه اسفندارمذ، و اینکه پنجه در آخر بهمن در نقطه ای از نقاط کاشان و توابع مرسوم باشد اطلاعی نداشت در عمر خود فقط یکبار بخاطر داشت که گفته بودند امسال پنجه شش روز است ولی نمیدانست بچه تر تیب چاپ میشود.

آقای احمد رهقی از معتمدین قریه رهق (Rahaq) اظهار داشت آخرین سر حدی که تر تیب پنجه معمول است یکی دهستان رهق و دیگر میمیه و جوشقان قالی است و در همه جا این حساب سال و ماه را جلالی می نامند. همه ماهها سی روز است. پنجه در آخر اسفند است. از شب اول پنجه تا روز عید شش روز حساب می کنند. ولی از کثرت استعمال پنجه یا خمسه معروف شده است و استثنائی بین طبقات نیست. ادارات میباشد با اینکه در شهر با همه قبیل اشخاص معامله دارد اما نشنیده بود که در پاره ای نقاط کاشان پنجه را در آخر بهمن میگیرند. گوینده کمال اطمینان را بسخنان خود داشت.

آقای سید قوام هاشمی از معتمدین بیسواد در رهق اظهار داشت: روستائیان در معاملات بین خودشان حساب سال و ماه را بهمین طریق میگیرند. ولی در محاضر رسمی مطابق تقویم رسمی دولتی عمل میشود. ولی در اوراقی که بین خودشان بطور غیر رسمی مبادله می کنند، اول شهر بور را پنجم شهور می نوپسند. سال گذشته پنجه را در آخر اسفند شش روز

گرفته‌اند و خیال میکرد هر پنج یا شش سال پنجه شش‌روز می‌شود.  
 آقای حسن باقری کاریچی اهل قهرود گفت: در قهرود پنجه  
 را آخر اسفند میگیرند.

\*\*\*

مراسم پنجه: بنا باظهار آقای یحیی غفاری، عضو وزارت کشاورزی  
 یهودیان کاشان را رسم چنین است که از بیست و پنجم تا روز عید ظرفی  
 را بالای بام میگذارند آب باران در آن جمع شود با آن آب آرد خمیر  
 میکنند و نانی را که بدین طریق می‌پزند برای برکت خانه نگاه میدارند  
 و اگر در آن چند روز بارندگی نشد سال را بفال بد می‌گیرند و از آب  
 باران سال قبل که در شیشه دارند خمیر می‌کنند.  
 در پاره‌ای دهستانهای کاشان و همچنین در خود شهر رسم بوده  
 است کوزه آب ندیده‌ای را از آب پر می‌کردند و در شبهای پنجه بالای  
 بام می‌گذاشتند که اموات بنوشند و چون صبح میدیدند آب کوزه  
 کم‌تر شده است خیال میکردند اموات نوشیده‌اند. آقای یحیی غفاری  
 بحدی از اینکار دلتنگ بود که با گلوله تفنگ کوزه‌ها را میشکست!  
 آقای ابراهیم برادران مدیر دبستان صالح در قریه کله  
 میگوید روز اول پنجه در مقبره اموات حاضر میشوند و عید میت خود  
 را می‌گیرند. در آن هنگام روزه خوانده میشود و چای و کلاب هم میدهند.  
 آقای نعمت‌الله احسانی اهل قریه کله شنیده است یهودیها آب  
 باران را در پنجه جمع میکنند. اگر جمع نشده باید يك خروس طلائی بشاه  
 بدهند. عقیده‌شان این بوده است که بارندگی در آن چند روز مسلم است.



از کثرت اطمینان بصورت شرط بندی باینکار اقدام میکرده اند .  
**آقا نظام روحانی** عطار قریه کله معتقد بود که آب نیسان را یهودیها  
 داخل خمیره میکنند و من باب تبرک نان میپزند و سال را بفال نیک میگیرند.  
**آقای سید حسین طباطبائی** رئیس شرکت بیمه در کاشان بخاطر  
 داشت که نایبست سال پیش در اول پنجه مطربها بالباس مسخره (بصورت  
 کار ناوال) در شهر کاشان و بازار حرکت میکردند و چندکت حیوان را  
 بتن خود می آویختند و اشعار و تصنیفاتى بمناسبت پنجه میخواندند و  
 جشن طلب می کردند و این عمل را «قندیاری» می نامیدند. سرودشان  
 این بود: «قندیاری سالی یکبار می آئی!» جلو دکانها میآمدند و پول  
 میگرفتند.

**پهلوان صادق دادور** که آرایشگر است این مطالب را تصدیق  
 کرد و اضافه نمود در اول پنجه مرسوم بود. خانواده ها فصد می کردند حتی  
 بچه ها را حجامت می کردند. یا اگر خیلی کوچک بودند و طاقت رک  
 زدن نداشتند گوششان را با اصطلاح محلی «تیش» می کردند، یعنی تیغ  
 میزدند. دیگر اینکه شب اول پنجه کوزه های نومیخردید و با آب پر  
 میگردند و بالای بام می گذاشتند که مرده ها بیاشامند.

**آقای سید عباس اهدبت** کفیل اداره آمار کاشان روایت کرد که  
 در ایام پنجه وسط حیاط ظرف مس می گذارند و آب باران را که در آن  
 ظرف جمع میشود شکر میریزند و با آب می آمیزند و باشخاصی که بدیدن  
 آنها می آیند بعنوان تبرک می دهند که محفوظ از آفات و بلیات باشند.  
**آقای مهدی ابیانه ای** که از زارعین ابیانه است اظهار داشت در

نصر آباد جیرویه آب باران نیسان را در موقع پنجد جمع می کنند.

\* \* \*

اسامی پاره ای فوری و مزارع که تلفظ آن با کتبات آن فرق دارد  
نقل از آقای غلامرضا امینی سردفتر ازدواج ایبانه

(Viyunah)	ویونه	:	تلفظ محلی :	(Abyaneh)	ایبانه
Darah	دارا = دره	»	»	(Tarah)	تره
(Barzah)	برزه	»	»	(Barz)	برز
(Komjun)	کم چون	»	»	(Konjan)	کنجان
	یارند (فرقی ندارد)	»	»	(Yarand)	یارند
(Henjan)	هنجن	»	»	(Hanjan)	هنجن
(Volugerd)	ولوگرد	»	»	(Volujerd)	ولوگرد
(Ferezehand)	فرزه‌ند	»	»	(Ferizehand)	فریزه‌ند
(Viahhand)	ویه‌ند	»	»	(Bidehand)	بیده‌ند
(Karges)	کارگش	»	»	(Karkas)	کوه کرکس
(Gahah)	گهه	»	»	(Jahaq)	جهق
(Zangunbar)	زنگون‌بر	»	»	(Zanjanbar)	زنجان‌بر
(Nasroviah)	نصرویه	»	»	(Nasrabad)	نصرآباد
(Nadanzah)	ندانزه	»	»	(Natanz)	نطنز
(Bayah)	بایه	»	»	(Bad)	باد

نقل قول از آقای حسین مسرور از باغداران ایبانه:

تتماج (Tatmaj) بلفظ محلی ده تاماش ولی در مکاتبات اسم این

محل و بان (Yian) است